

عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری مجتمع مسکونی در بافت تاریخی دوران قاجار در شهر اراک

محمد غیاث فر

دانشجو کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی خمین

Arakborouj_co@yahoo.com

سجاد موذن

استاد راهنما دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین

Sajadmoazen166@yahoo.com

چکیده

بافت های تاریخی بسیار ارزشمند هستند و برای طراحی در بافت های تاریخی باید نکات بسیاری را در نظر داشت و با توجه به منشور ها و بیانیه های ارائه شده در رابطه با بافت های تاریخی و تاکید بر عوامل مختلفی که به شکل گیری مسکن در بافت تاریخی کمک می کند، و با در نظر گرفتن بستر، طراحی در بافت مورد نظر را انجام داد. در پژوهش حاضر تلاش گردیده با روش مطالعات کتابخانه ای و بررسی اسناد و مدارک موجود در وهله نخست به بررسی چهار چوب نظری در خصوص مفهوم مسکن، چگونگی شکل گیری مسکن در بافت تاریخی شهر اراک و مسکن دوره قاجاریه شهر اراک پرداخته شود که تعاریف آن ها با توجه به دیدگاه ها و نظریات مختلف بررسی شده است. در نهایت به بررسی عوامل تاثیر گذار بر شکل گیری مجتمع مسکونی در بافت تاریخی (فرهنگ، حریمیت، آداب و رسوم، هویت، اقلیم، امنیت، عوامل اقتصادی، آرامش، خوانایی، انعطاف پذیری، تناسبات بصری) می توان اشاره نمود، پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: بافت سنتی، مجتمع مسکونی، عوامل تاثیر گذار بر مسکن

مقدمه:

پیدایش مفاهیمی چون مجتمع و چگونگی زندگی جمعی مردم ریشه در رفتار اجتماعی آنها داشته که آن هم برگرفته از فرهنگ خاص آن زمان و مکان می باشد. محله در گذشته دارای مفاهیم و ارزشهای خاص سکونتی برای گروههای قومی نژادی ، مذهبی و صنفی بوده که در یک ساختار کالبدی منسجم و پیوسته ، علاوه بر خدمات دهی به ساکنین ، باعث ایجاد حس هویت و تعلق در اهالی مجتمع و همبستگی و انسجام در کل بافت مجتمع می کرده است (فتحی، ۶۷، ۱۳۸۲).

تحولات صورت گرفته طی دهه های اخیر در شهرسازی ایران باعث ایجاد تغییر و تحولاتی در مفهوم کارکردی محلات در قسمتهای مختلف شهرها شده است. درجه کم رنگ شدن کارکرد محله در بافتهای مختلف شهرهای ایرانی متفاوت بوده و آنچه که مسلم است تحولات اجتماعی ، فرهنگی صورت گرفته در اکثر محلات باعث تغییر محله کهن ایرانی و ظهور ساخت جدیدی از مجتمع های زیستی در شهرها شده است. (قائم، ۲۵، ۱۳۷۵)

طرح مسئله

در نظام کهن شهرهای ایرانی مناطق مسکونی با تفکر سیستم محله ای شکل می گرفت و محله در نخستین گام ، بنیانی بود اجتماعی که با مفاهیمی چون احساس تعلق و مشارکت همراه بود . محله به عنوان یک بلوک ساختمانی نقش مهمی در شناسایی ، جهت یابی و شناخت شهر و خوانایی آن دارد.

در گذشته فعالیتهای اجتماعی در داخل محلات از اهمیت بالایی برخوردار بوده زیرا حرکتهای مثبت و منفی اجتماع داخل محلات تأثیر مستقیمی بر کل شهر و سیستم حکومتی وقت داشته است ، امری که فقدان آن در محلات امروز به روشنی دیده می شود به راستی خلاء وجود چنین فعالیتهای و گروههای متحد اجتماعی در محلات امروز ناشی از چه مواردی است که اینگونه ساکنین را بی تفاوت و روابط اجتماعی را کم رنگ کرده است؟ (نصر، ۱۳۸۶، ۲۶)

می توان اساسی ترین سؤال در خصوص محله و مفاهیم آن در کشور ما را به این صورت عنوان کرد که ”

__ بطور کلی محلات در گذشته دارای چه خصوصیات عملکردی و کارکردی ، بصری و .. بوده اند که امروزه بعد از گذشت قرنها هنوز می توان حس هویت ، تعلق ، صمیمیت و پایداری روابط را در آنها یافت ؟

__ به عبارتی محلات در دوران معاصر تا چه اندازه سعی در حفظ ارزشهای حاکم بر محلات گذشته شهرهای کهن کشور مان داشته اند ؟

۱- چگونه می توان با تکرار فرم و اشکال معماری بافت سنتی بر معماری معاصر تاثیر گذاشت؟

۲_ چگونه می توان با نقد معماری سنتی فرم و فضاهای جدید خلق نمود؟

فرضیه:

- ۱_ به نظر میرسد راه ایجاد معماری همگام با بافت سنتی در ایران، تجلی درونمایه های غنی نهفته در معماری گذشته با استفاده از تکنولوژی امروز و با توجه به مقتضیات زمان است.
- ۲_ به نظر میرسد فقط نباید به دنبال تکرار اشکال و فرم های گذشته باشیم، چون دچار واپسگرایی میشویم بلکه باید مبانی نظری معماری گذشته را به سمت تکامل ببریم.
- ۳_ به نظر میرسد به نقد و چالش کشیدن معماری سنتی ایران در راستای آسیب شناسی معماری اصیل ایرانی می تواند فرم و فضاهای جدید خلق کند.

هدف تحقیق

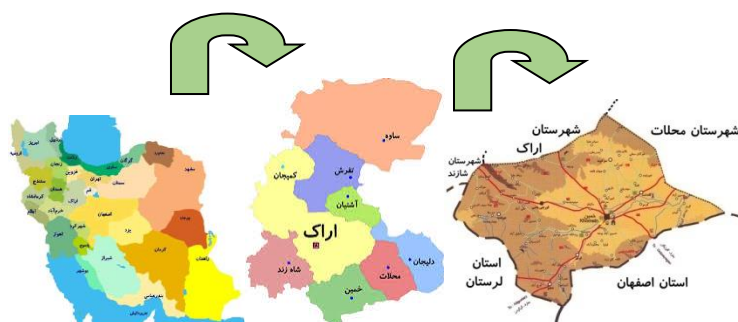
این پژوهش، تلاشی است در راستای بررسی الگوها، ارزشها و شاخصهای حاکم بر محلات در دوره قاجار در شهر اراک و اشاره به وضعیت مجتمع های مسکونی در دوران معاصر، با توجه به تغییر الگوهای زندگی، ورود اتومبیل و همچنین تأثیر طرحها و ضوابط شهرسازی در شکل گیری فضاهای مسکونی، اشاره به کمبودها و فقر امکانات و خدمات رفاهی در این فضاها و نیز نگاهی خواهیم داشت به روابط اجتماعی موجود در محلات شهرهای امروزی تا بتوان در آینده با توجه به موارد و نتایج حاصل شده از این تحقیق، راهکارهایی را جهت ساماندهی و ارتقاء کیفیت محله ها ارائه دهیم.

روش تحقیق

روش تحقیق در این نوشتار از نوع توصیفی و ابزار گردآوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه ای، و شیوه آزمون و تجزیه و تحلیل فرضیه از نوع کیفی است. در جهت بررسی فرضیه نمونه هایی جهت بررسی معماری قاجار انتخاب شده است.

معرفی منطقه مورد مطالعه:

شهر اراک وسعتی در حدود ۹۸/۷۱۷ کیلومتر مربع دارد که ۴/۲۴ درصد کل مساحت استان را شامل می شود. استان مرکزی واقع در غرب ایران و در جنوب غربی استان تهران و در فاصله ۲۸۸ کیلومتری آن قرار دارد. شهر اراک روی مدار ۳۴ درجه و ۵ دقیقه و ۳۰ ثانیه در نیمکره شمالی از خط استوا قرار گرفته و روی نصف النهار ۴۹ درجه و ۴۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این شهر از شمال به شهرستان ساوه، از شمال غربی به همدان، از شرق به محلات شهرستان اراک به لحاظ برخورداری از چند عامل آب و هوایی مانند مجاورت با کویر میقان، وجود ارتفاعات و... دارای نوسانات اقلیمی است، بطوری که میانگین دما در زمستان در ایستگاه اراک ۸/۱ و ایستگاه شمس آباد اراک ۹/۰ و ایستگاه کرهرود ۱/۱ درجه سانتی گراد می باشد. بطور کلی تابستان های نسبتاً ملایم و زمستان هایی سرد و از خصوصیات اقلیمی شهرستان اراک است. وجود ارتفاعات در غرب و جنوب شهرستان و دشت های هموار در مرکز و شمال از عمده ترین خصوصیات توپوگرافی شهرستان اراک است از مهمترین کوه های آن می توان به سفیدخانی و هفتاد قله اشاره کرد. وجود کارخانه ها و صنایع مختلف در محدوده شهرستان از سویی موجب مرکزیت یافتن استان و از سویی موجب مرکزیت یافتن استان و از سوی دیگر باعث جذب فعالیت های صنعتی و خدماتی در اراک شده است.



تصویر شماره ۱: وضعیت شهرستان اراک

محلّه

محلّه مکانی است که خانواده‌ها در آن سکنی می‌گزینند، ریشه می‌دوانند و با آن و در آن زندگی می‌کنند، با تک تک فضاهای آن انس داشته و هر گوشه‌ای از آن برایشان معنا و مفهومی خاص دارد. در محلّه، اهالی احساس آرامش و امنیت می‌کنند. تک تک فضاها برای ساکنین آن آشناست و هر یک بار خاطراتی را بر دوش دارند، خاطراتی که توسط یک یک اهالی در جای جای آن شکل گرفته است.

محلّه مکانی است که در عین واحد بودن، هر گوشه آن عطر و بویی و جلوه‌ای خاص گرفته و برای آنها کار می‌کند. ساکنین محلّه فضای آن را متعلق به خود می‌دانند، به آن دلبستگی دارند، پس برای حفظ و اعتلای آن تلاش می‌کنند. در محلّه خانواده‌ها با هم آشنا هستند و شاید با اندکی اغراق بتوان گفت که همه، اعضای یک خانواده بزرگ هستند. محلّه مکانی است زنده که حیات را در شریان‌ها و قلب تپنده آن می‌توان لمس کرد. کوچه و خیابان‌های آن، محل عبور مردمی است که وقتی یکدیگر را می‌بینند، بیگانه از کنار هم رد نمی‌شوند. خیابان‌های آن فقط محل عبور سریع اتومبیلها نیست که فارغ از هم به دنبال این باشند که راه خود را باز کنند تا هر چه سریع‌تر به مقصد برسند. اهالی می‌توانند به دور از غوغای ترافیک شهری در معابر محلّه قدم بزنند، مکث کنند، عبور کننده و خود را به محل‌های مورد نظرشان برسانند. محلّه مکانی است با سیمایی خوانا به طوری که هر وارد شونده‌ای را می‌تواند متوجه کند که راه را درست آمده است. (معماریان، ۶۴، ۱۳۷۳، ۱۳۷۳)

امنیت از مشخصه‌های بارز آن است و خلافکاران در آن جایی برای تاخت و تاز نمی‌یابند در محلّه حریم‌ها حفظ می‌شوند. ساختمان‌ها به داخل یکدیگر سرک نمی‌کشند بلکه به ساختمان‌های همسایه احترام می‌گذارند، به جلوه‌گری نمی‌پردازند و خود را با آنها هماهنگ می‌کنند. در محلّه هر فرد پاتوق خود را به راحتی می‌تواند پیدا کند. بچه‌ها درون کوچه‌ها، جوان‌ها در تقاطع‌ها، زمین‌های ورزشی، کتابخانه، بزرگترها در مساجد، باغها و درون فروشگاه‌ها و مغازه‌ها و کهنسالان در فضاهای باز و دنج، نقطه اوج فعالیت و حیات محلّه، قلب آن است جایی که هر کس هر آنچه را که بخواهد می‌تواند در آن پیدا کند. در هر نقطه از آن فعالیتی در جریان است. عده‌ای از مغازه‌ها خرید می‌کنند. عده‌ای به تماشای ویتترین‌ها می‌ایستند. چند تایی دور هم نشسته و صحبت می‌کنند و چای می‌نوشند. بچه‌ها نیز فارغ از آنچه در اطرافشان می‌گذرد در فضایی امن، در انتظار

آمدن بزرگترهایشان مشغول بازی هستند. در اینجا از هیاهوی اتومبیل‌ها خبری نیست و فضا به طور کامل در اختیار مردم و برای مردم است.

در محله فضاهای باز و ساختمان‌های با هم گره خورده و ترکیب شده‌اند. خانه‌ها در آن با هم بیگانه نیستند در عین حال که استقلال خود را حفظ کرده‌اند با یکدیگر ارتباط دارند. و این شریان‌ها هستند که خانه‌ها و اهالی آنها را به هم می‌دهند. محلات سر در آغوش هم دارند و عامل جداکننده‌ای بین آنها وجود ندارد و فقط تصور ذهنی اهالی است که می‌تواند مرزی بر آنها بگذارد. در عین حال فضای هر محله برای اهالی فضایی اختصاصی تلقی می‌شود به طوری که وقتی از بیرون وارد آن می‌شوند آن را آشنا و خودی می‌یابند و در آن آرامش پیدا می‌کنند، گویا که به خانه خود رسیده باشند. در محله فاصله‌ها کوتاه به نظر می‌رسد و هر کسی به راحتی می‌تواند خود را به مقصد برساند.

در محله فضاهای باز و شخصیت و هویت خود را باز می‌یابند و ابعاد فضا به شهروند اجازه می‌دهد که بتواند همسایگانش را درون فضا ببیند و آنها را بشناسد.

مسیرها تصویری پایدار در ذهن عابرین ایجاد کرده و در عین حال که زمینه ارتباط هم محله‌ای را فراهم می‌کند، با انحنا و تغییر مسیرهای خود هر لحظه منظره‌ای جدیدی را به ناظر عرضه می‌کند. معابر در سطح محله به یکدیگر رسیده و گره‌های مشخصی را ایجاد می‌کنند که بارزترین آنها مرکز محله می‌باشد که به عنوان هسته مرکزی فعال به راحتی می‌تواند در اذهان تصویری مشخص از خود باقی بگذارد. (داوود پور، ۵۲، ۱۳۸۲)

خصوصیات محله در دوران معاصر

منظور از محله در دوران معاصر صرفاً خصوصیات محله و اتفاقات رخ داده مربوط به آن در بافت میانی و جدید را شامل می‌شود.

بطور کلی در دوران معاصر و با هجوم فرهنگ و تکنولوژی غرب به کشور و پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی و قرار گرفتن اتومبیل به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره مردم و بالاخره مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها، محله دیگر نمی‌توانست پیوندهای درونی و در نتیجه کارکرد خود را همچون گذشته حفظ کند. گسسته شدن محلات و پیدایش فضاهای جدید شهری با معیارهای، بیگانه با فرهنگ بومی در واقع تبلور فضائی تغییرات مزبور در اوضاع اقتصادی - اجتماعی کشور است. ۱] سازمان کالبدی محلات در دوران معاصر

- بافت: عموماً بصورت شطرنجی و دارای نظم و شکل هندسی مشخصی می‌باشند

- قلمرو و حدود محلات: قلمرو بیشتر توسط شریانهای اصلی شهری تعیین می‌شود نه بر اساس عرف و روابط اجتماعی ساکنان

- سیمای محله: از خصوصیات محله‌های امروزی وجود تنوع بصری و حجمی از لحاظ وجود ساختمانهایی با نماها و ارتفاعات متفاوت از ۱ طبقه مسکونی تا برجهای و مجتمع‌های مرتفع مسکونی در سطح محلات است. فشردگی کالبدی، از بین رفتن فضاهای باز و وجود خیابانهای مستقیم بدون رعایت شدن عناصر بصری خاص در آنها از دیگر خصوصیات سیمای محلات امروزیست.

- تغییر مفهوم مرکز محله و میدان محلی: در بافت شطرنجی فضای مکث و تجمع انسانها معنایی ندارد. زیرا اولویت دادن به حرکت سواره تبدیل به یک اصل در شبکه بندی محلات شده است. از طرفی استفاده از فضاهای باز و یا میدانچه‌ها به عنوان

پارکینگ، این فضاها نیمه خصوصی را آنقدر عمومی می‌کند که حس مالکیت و تعلق ساکنین نسبت به خود را از بین می‌برد. (برک پور، ۳۳، ۱۳۸۰)

محله و ظهور تعاریف جدید تقسیمات شهری :

تقسیمات کالبدی شهر برای توزیع مناسب خدمات در سطح شهر و دسترسی بهینه شهروندان، استفاده می‌شود. عموماً بصورت: منطقه، ناحیه، برزن، محله، واحد همسایگی، گروه واحدهای مسکونی

۲ سازمان دسترسی محلات در دوران معاصر

• شبکه دسترسی در دوران معاصر بیشتر تحت تاثیر تقسیمات کالبدی در نظر گرفته شده در طرحها و خیابانهای اصلی شهری و بافت شطرنجی اعمال شده می‌باشد.

• اکثراً با از بین رفتن مفهوم محله مواجه هستیم

• شیوه شبکه های شطرنجی باعث شده نه پیاده در آن ایمن باشد و نه سواره

• در این شیوه تمام خیابانها و کوچه ها شبیه یکدیگر هستند و تنها از عرض آنها می‌توان به اهمیت یا عدم اهمیت آنها پی برد

• طولانی بودن برخی خیابانها و خارج شدن آنها از مقیاس محلی

• وجود تقاطع های پی در پی درون بافت محله باعث گسستگی فضایی شده.

• محدود شدن پیاده رو به نوارهای باریکی که بعضاً توسط درختان و باغچه اشغال شده.

۳ خصوصیات اجتماعی محلات در دوران معاصر

• جمعیت ساکن با گوناگونی های قومی، اجتماعی، آداب و رسوم و... و تنها برحسب توانهای اقتصادی و نیاز مادی در محله ساکن می‌شوند.

• عدم توجه به رابط اجتماعی

• وجود غریبه گری ها

• عدم تمایل به گذران اوقات فراغت در فضای محله به دلایل مختلف از جمله رسانه های ارتباط جمعی، گرفتاریهای شغلی

و... که باعث کاهش روابط، دور شدن مردم از هم، احساس عدم امنیت، تنهایی و... شده است که نوعی بی هویتی فرهنگی و

اجتماعی را در محله بوجود می‌آورد. (بمانیان، ۴۶، ۱۳۸۹)

نتیجه گیری:

برای اینکه بتوان سیمای بیان شده از یک محله مطلوب را عینیت بخشید به نظر می‌رسد در ابتدا باید بر اساس تصورات ارائه شده و اصولی مشخص شود. این اصول بر حسب اهمیت و میزان تأثیر هر یک از آنها در ایجاد یک محله مطلوب تحت عنوان اهداف کیفی و اولویت بندی شده که به شرح زیر ارائه می‌شود.

ایجاد آرامش:

ایجاد محیطی آرام و بدور از غوغا و هیاهو از طریق تقویت حرکت پیاده و محدود نمودن حرکت سواره، ایجاد سلسله مراتب دسترسی و عملکردی.

ایجاد فضایی امن برای خانوارها از طریق تفکیک قلمروها از عمومی تا خصوصی، ایجاد حریم، توجه و محدودیت در شکل گیری فضاها عمومی و خصوصی تأمین سلامتی اهالی به وسیله جداسازی حرکت پیاده از سواره، قطع ارتباط مستقیم مجموعه های مسکونی و معابر سواره به وسیله فضای واسط.

تأمین آسایش:

پاسخگویی به نیازهای روزانه اهالی از طریق ایجاد عملکردهای مورد نیاز در محله.

- امکان دسترسی به قسمت های مختلف شهر از طریق ارتباط خیابان جمع کننده محلی و خیابان های اصلی شهری.
- هماهنگی با اقلیم و توجه به مشخصه های آب و هوایی و توپوگرافی منطقه در طراحی فضاهای شهری، خیابان ها و قطعات مسکونی.

ایجاد حس مکان:

- ایجاد حس هویت محله ای با به کارگیری عوامل هویت دهنده
- ایجاد زمینه مانوس شدن سکنه جدید از طریق بالا بردن خوانایی سیمای آن
- استفاده از عوامل وحدت بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه
- تأمین فضاهای مناسب جهت برگزاری اجتماعات و ایجاد نزدیکی و پیوند بین اهالی در غالب فضاهای باز محله ای.
- طراحی برای مردم جهت به چشم آمدن و دیده شدن مردم در فضا از طریق رعایت مقیاس انسانی .
- قابلیت انعطاف بافت محله در مقابل تغییرات آینده (ایجاد امکان شکل گیری و رشد تدریجی)
- ایجاد مجموعه ای باز و قابل دسترسی و دارای پیوند با مجموعه های مجاور
- ایجاد مجموعه های فعال با عملکردهای مطلوب در خدمت عملکرد مسکونی
- در ارتباط قرار دادن فضاهایی که به لحاظ نوع عملکرد می توانند با یکدیگر کار کنند مانند آموزشی و ورزشی، تفریحی و ورزشی، مذهبی و فرهنگی و ... در مقیاس محلی.

دلچسب و خودمانی بودن فضاها

- ایجاد فضاهایی خودمانی متکی بر سنت و فرهنگ خودی
- فضاسازی های مناسب و استقرار عناصر خاص جهت انتقال و القاء ارزش های فرهنگی خودی به صورت مستمر به مردم
- توجه به اصول محلی در طراحی مجموعه محلی. (زمرشیدی، ۱۳۸۴، ۶۰)

آمیختگی با رنگ و بوی مذهبی

- تقویت نقش مذهبی در ایجاد خوانایی و وحدت و هویت در محله
- توجه به اعتقادات مذهبی در شکل گیری محله در جهت گیری واحدهای مسکونی (در تطابق با اقلیم)، حفظ حریم ها از طریق تفکیک قلمروها، توجه به مسئله اشراف و ارائه راه حل های منطقی و فنی.
- توجه به برون و درون و ایجاد فضاهای واسطه برای ایجاد ارتباط مناسب میان خانواده ها و فضاهای محله ای.

ایجاد هویت

- دادن هویت معنی دار و متناسب با فرهنگ به سیمای محله به نحوی که محله شخصیتی مشخص و مخصوص به خود را دارا شود.
- ایجاد مراکز فعال با هویت خاص، ایجاد نشانه های بارز و گویا، تقویت عناصر طبیعی و موجود، ایجاد فضاهای باز تعریف شده و ساختمان های دارای تشخیص و ایجاد خصوصیات هماهنگ کننده و پیوند دهنده اجزای محلی. (آزاد، ۱۳۸۵، ۲۳)

ایجاد وحدت

- ایجاد وحدت شکلی و یکپارچگی و انسجام دریافت و ساختار کلی محله
- ایجاد هماهنگی میان اجزاء با رعایت تناسب
- ایجاد ارتباط لازم و مناسب میان اجزاء محله و کل محله (ارتباط میان مردم، اندازه، جنس، رنگ، کاربرد و محتوا و...)
- ایجاد سیستم نظم دهنده که همبستگی معقول میان اجزاء آن وجود داشته باشد.
- استفاده از الگوی مرکزیت مکانی و یا خطی

تنوع

– استفاده از احجام اشکال و دانه بندی های متفاوت در رنگ، مصالح، جزئیات نما، کف سازی، بازشوها، قطعات، دسترسی ها و فضاهای شهری، به گونه ای که تضاد به اغتشاش به وجود نیاورند.

– ایجاد فضا های باز و بسته ، محصور و باز ، پر و خالی ، تاریک و روشن، تغییر در عرض معابر، ایجاد پیچ و خم در معابر .
(اکرمی، ۱۳۸۲، ۱۹)

خوانایی

– امکان شناسایی اجزاء محله و ایجاد ارتباط ذهنی میان آنها در قالبی منسجم

– ایجاد لبه های ورودی مشخص، عناصر نشانی، مظاهر برجسته برای شناخت و تمیز فضاهای مختلف شهری

– ایجاد پیوستگی فضایی در معابر و رعایت سلسله مراتب دسترسی برای خوانایی بیشتر

تأثیر تغییر ارزش ها و ضوابط بر بافت های جدید مسکونی:

امروز دسترسی به وسایل نقلیه و امکان سفرهای سریع سبب شده که مردم خود را در انتخاب مکان های خرید، تفریح، کار، آموزش و ... آزاد ببینند، حتی اگر برای رسیدن به مسیرهای طولانی را طی کنند. این امر سبب می شود که خصوصاً در شهرهای بزرگ وقت زیادی تلف شود مشکلات گوناگونی چون ترافیک، تأخیر زمانی و ... پیش بیاید. لذا بهتر است با پیش بینی این گونه مراکز در سطح محله ها (در حال امکان) و ایجاد جاذبه، اهالی را به استفاده از امکانات محلی تشویق کرد. توسعه ارتباطات و نفوذ وسایل ارتباط جمعی به داخل منازل، صرف وقت زیاد در رفت و آمد، بین محل کار و سکونت عدم وجود پیوندهای قومی و ... بین اهالی، دسترسی به امکاناتی چون پست تلفن، آتش نشانی، اورژانس و ... دیگر جایی برای احساس نیاز به برقراری ارتباط با همسایگان باقی نمی گذارد. در این رابطه و با توجه به نیازهای روحی و روانی انسان که ارتباطات اجتماعی را می طلبد، لازم است جاذبه هایی در محل ایجاد شود که اهالی برای استفاده از آنها گرد هم جمع شوند با هم برخورد کنند و ارتباط برقرار نمایند و همچنین با تمهیداتی نقش نظارتی برای اهالی قائل شد و آنها را در اداره امور محله شریک نمود.

امروز مردم بیشتر اوقات فراغت خود را در چهار دیواری خانه ها و آپارتمانهایشان می گذرانند و آرامش را در داخل آن می جویند و مایل نیستند که کسی این آرامش را بر هم بزند. ضمن اینکه کانون گرم خانواده محلی است که آرامش را به اعضای خسته از کار و فعالیت هدیه می دهد. اما با طراحی فضاهای دنج و آرام در سطح محله می توان قسمتی از این نیاز را در فضاهای باز محله ای تأمین کرد.

امروزه اتومبیل جزئی از زندگی مردم شده است تا حدی که بدون اغراق می توان گفت جای پاهای آنها را گرفته است به طوری که حتی کوتاه ترین فاصله ها را نیز با اتومبیل طی می کنند. با ایجاد مسیرهای پیاده متنوع کوتاه جهت رسیدن به مرکز محله و نقاط مختلف آن می توان اهالی را تشویق به پیاده روی نمود که این امر در سلامت جسمانی روحی و روانی آنها نیز مؤثر بوده و همچنین زمینه برخورد های اجباری یا اختیاری را نیز فراهم می کند. (سلطان زاده، ۱۳۸۴، ۲۱)

عدم امنیت پارک اتومبیل در فضاهای باز معابر حمل راحت اثاثیه و (خریدهای روزانه و هفتگی و ...) به داخل واحد مسکونی انتقال راحت بچه های خواب آلوده پس از بازگشت از مهمانیها و یا تفریح به خانه شستشوی و نظافت اتومبیل و تعمیرات جزئی آن توسط اهالی خانه و ... عواملی هست که مردم را در جهت آوردن اتومبیل به داخل حیاط خانه حتی زیر اتاقشان توجیه می نماید. این موارد را نیز می توان با ایجاد آوردن اتومبیل تا نزدیک ترین فاصله به واحدهای مسکونی و ایجاد پارکینگ های اختصاصی امن در محدوده واحدهای مسکونی همسایگی حل نمود.

منابع

- ۱_ آزاد، میترا، بحران هویت و عدم بهره‌گیری از الگوهای سنتی در معماری معاصر ایران، مجله آبادی، ۱۳۸۵، شماره ۵۲، صفحه ۳۵
- ۲_ اکرمی، غلامرضا، تعریف معماری، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳۸۲، شماره ۱۶، صفحه ۳۴-۴۸
- ۳_ اکرمی، غلامرضا، سنت هنر معماری، ۱۳۸۳، نشریه صفا، سال چهارم، شماره ۳۸، صفحه ۱۲۷-۱۴۳
- ۴_ برک پور، ناصر، پایداری هویت در محله‌های مسکونی، ۱۳۸۰، مجله شهرداری ها، سال سوم، شماره ۲۵، صفحه ۲۳-۲۶
- ۴_ بمانیان، محمدرضا، غلامی رستم، نسیم، رحمت پناه، جنت، عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، فصل نامه علمی پژوهشی مطالعات هنرهای اسلامی، ۱۳۸۹، شماره ۱۳، صفحه ۵۵-۶۸
- ۵_ داوودپور، زهره، تعاریف مسکن و نقش آن در شکل‌گیری محیط‌های مسکونی، ۱۳۸۲، انبوه سازان مسکن، شماره ۹ و ۱۰، صفحه ۱۸-۲۲
- ۶_ زمرشیدی، حسین، اجرای ساختمان با مصالح سنتی، ۱۳۸۴، انتشارات آزاد، تهران، چاپ هفتم
- ۷_ سلطان زاده، حسین، فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران، ۱۳۸۴، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، چاپ دوم
- ۸_ فتحی، حسن، ساختمان سازی با مردم، ۱۳۸۲، دانشگاه هنر تهران، چاپ دوم
- ۹_ قائم، گیسو، زبان مشترک ساخت مسکن در معماری گذشته ایران، ۱۳۷۵، مجله صفا، سال ششم، شماره ۲۱-۲۲، صفحه ۲۷-۲۲
- ۱۰_ کسمایی، مرتضی، اقلیم و معماری، ۱۳۸۴، نشر خاک، تهران، چاپ سوم،
- ۱۱_ معمارین، غلام حسین، آشنایی با معماری مسکونی ایران، ۱۳۷۳، چاپ دانشگاه علم و صنعت، تهران، چاپ اول
- ۱۲_ نصر، طاهره، نگاهی به معماری ایران در دوره قاجار، ۱۳۸۶، ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۴۳، صفحه ۳۶-۳۸
- ۱۳_ ویسی، صلاح‌الدین، معماری هویت انسانی و محلی، ۱۳۸۵، زریبار، سال دهم، شماره ۶۰، صفحه ۲۳۵-۲۴۸